

گفت‌وگو با کوین اسپیسی، مایکل شانون و سایر بازیگران فیلم «الویس و نیکسون» در جشنواره فیلم ترایکا

انتخابات را برای این دوست دارم که یک دل سیر بخندم

ملانی وتاو . ترجمه: پریا لطیفی‌خواه



هم چندین ساعت نوار مصاحبه‌های مختلف نیکسون به دستم رسید… که برای شناختن هرچه بهتر شخصیت نیکسون خیلی کارساز و کمک‌کننده بود، چون اغلب این مصاحبه‌ها مربوط به قرار ملاقات‌های خصوصی بودند. اگرچه عکس‌هایی که گفتم، به نمایش عموم هم درآمده‌اند اما با این حال فرصت خوبی برای درک بهتر شخصیت نیکسون در اختیار من گذاشتند. کشف این موضوع که نیکسون در زندگی خصوصی خودش چه رفتار و شخصیتی داشته، برای من خیلی جالب و هیجان‌انگیز بود. با دیدن این فیلم‌ها و عکس‌ها به این نتیجه رسیدم که نیکسون بیشتر از هر آدم دیگری در این دنیا که من عکس‌ها و فیلم‌هایش را دیده‌ام، کفر بدویبراه می‌گوید. انگار از روی عمد همیشه عصبانی است. من و مایکل هر دو به این نتیجه رسیدیم که دلمان نمی‌خواهد شخصیتی که از این دو چهره خلق می‌کنیم، کاملاً شبیه به شخصیت این آدم‌ها در دنیای واقعی باشد. فقط قصد داشتیم راهی پیدا کنیم تا این دو شخصیت رنگ و بوی چهره‌های واقعی را داشته باشند اما به آنها اجازه بدیم که براساس گرایز خود و کاملاً طبیعی براساس موقعیت به یکدیگر پاسخ بدهند. به نظر من نکته جالب توجه اینجااست که به نظر هیچ‌کس نمی‌رسد این دو چهره شناخته‌شده می‌توانند مشترکاتی داشته باشند، اما درنهایت در پایان این ملاقات می‌بینیم که نوعی فهم و درک متقابل بین آنها به وجود آمده است.

چرا مردم به موضوع ملاقات‌الویس و نیکسون تا این اندازه علاقه نشان می‌دهند

و در نتیجه فیلمی هم که بر این اساس ساخته شده برایشان مهم است؟

کوین: به نظر من، چون هر دوی این شخصیت‌ها چهره‌هایی شناخته‌شده و برجسته بودند، اما هرکدام در زمینه فعالیت خودشان، متوجه منظوم که هستی؟
الویس بزرگ‌ترین و معروف‌ترین خواننده سبک راک‌اندرول است که نسل جوان او را خیلی دوست دارد و به نظر نشان چنین آدم خیلی جالب و باحال است و نیکسون هم– به نظر من– یک رئیس‌جمهور فوق‌العاده تأثیرگذار است که محبوبیت فراوانی در بین مردم دارد. مردم به طرز باورنکردنی به او علاقه دارند. البته اصلاً شخصیت باحال و جالبی ندارد و به نظر من نه‌تنها ظاهر و رفتار شخصیت و شیوه زندگی این دو چهره معروف و نامدار باهم متفاوت است؛ بلکه حتی همان‌طور که در عکس هم می‌بینید، شیوه لباس‌پوشیدن آنها هم زمین تا آسمان فرق دارد. هم‌نشینی این دو نفر، حتی در عکس چنان انتزاعی به نظر می‌رسد که این حالت به فیلم‌نامه هم سرایت کرده است و به خوبی خودش را نشان می‌دهد.

فیلم‌نامه تا چه حد مبتنی بر واقعیت است؟ جانی ناکسویل: بازی نبوده که به داستان فیلم شاخ و



برگ چندانی اضافه کنیم چون داستان خودش به اندازه کافی عجیب و جالب بود. واقعیت آنچه بین این دو نفر اتفاق افتاده بود، چنان احمقانه بود که در فیلم کاملاً به داستان وفادار ماندم.

کوین: باید به آنچه جانی گفت، این را هم اضافه کنم که اگرچه این ملاقات خیلی معروف بود، اما هیچ فیلمی از ملاقات واقعی این دو نفر ضبط و ثبت نشده است. همین موضوع به ما و البته نویسنده فیلم‌نامه این اجازه را داد تا اغلب قسمت‌های این ملاقات را خودمان کنیم و براساس تصورات و ساخته‌های ذهنی خودمان بازسازی کنیم. اگرچه شخصیت الکس که جری نقش او را بازی می‌کند خیلی محوری و کلیدی نیست و حضور دائمی در صحنه ندارد، همان‌طور شخصیتی که تو نقش‌اش را بازی می‌کنی (برمی‌گردد به سمت کالین هنکس که نقش باد کراف را در فیلم دارد). به نظر من دو شخصیت اگرچه در فیلم حضور دارند، اما اطلاعات کمی درباره کل ملاقات در اختیار ما می‌گذارند و بیشتر حاشیه‌ای هستند و شاید برای بیشترکردن جنبه خنده‌دار و شوخی ماجرا در فیلم گنجانده شده‌اند.

از این به بعد فقط دلم می‌خواهد که نقش رئیس‌جمهورها را در فیلم‌هایم بازی کنم… (با صدای بلند می‌خندد)، من همیشه به سیاست علاقه داشتم. هیچ انتخاباتی باعث نشده که من از سیاست دل‌زده شوم. مطمئناً بعضی مواقع انتخابات سرگرم‌کننده‌تر و هیجان‌انگیزتر از سایر موارد بوده و برای من جنبه سرگرمی انتخابات جالب است. من عاشق این هستم

که دل سیر بخندم. بیشتر از همه از شمارش آرا خوشم می‌آید و به نظر خیلی شغل فوق‌العاده‌ای است.

باید بگویم که دوست ندارم نقش هیچ‌کدام از نامزدهای این دوره انتخابات ریاست‌جمهوری را بازی کنم، به نظر حسایی خرابکاری می‌کنم اگر این کار را قبول کنم. اما همی (رو می‌کند به کالین هنکس) به خودت نگاهی بینداز؛ به نظر تو برای این کار بد نیستی‌ها!

کالین: همین‌جا صبر کن! ادامه نده. هیلاری! من نقش هیلاری‌رو بازی می‌کنم. نظرت چیه؟!
کوین: نه، به نظرم نقش کروز را بازی کنی، بهتر است. با یک عالم مواد چهره‌پردازی نارنجی رنگ روی صورت.

کالین: آره، کلمی گریم نارنجی.

از شهرت و محبوبیت‌تان برای دستیابی به آنچه مورد نظرتان بود، استفاده کرده‌اید؟

کوین: منظورتان همان زرزو جا در رستوران است؟ به نظر همه ما بازیگران برای اینکه با استفاده از شهرتمان همیشه به دنبال زرزو بهترین جای رستوران‌ها هستیم، آدم‌های گناهکاری محسوب می‌شویم. البته در مورد من این موضوع زمانی مصادق پیدا می‌کند که اصلاً

الکس: روز فوق‌العاده‌ای بود؛ چون جری سر صحنه حضور داشت و خیلی داغون و ناراحت بود؛ از تصویری که در تمام این سال‌ها از بهترین دوستش ساخته شده بود و افتخار می‌کرد که مایکل در این پروژه حضور داشت (همه ما خوب می‌دانیم مایکل بازیگر فوق‌العاده‌ای است) و قرار بود که نقش الویس واقعی را بازی کند.

کالین دشوارترین و پرتنش‌ترین صحنه‌ای که در فیلم بازی کردی، کدام بود؟

کالین: من واقعا خیلی نگران ایفای نقش باد کراف نبودم، اما خارطه دو روز از بازی در این نقش هست که هرگز از ذهنم پاک نمی‌شود. یک بار به من گفته شد «خود باد کراف قرار است بیاید سر صحنه و می‌خواهد با تو دیداری داشته باشد». من در جواب گفتم «اوِه! باشه» چه عالی! امیدوارم از دیدن من در نقش خودش خوشش بیاید؛ از اینکه او را ببینم کدلی‌نگران بودم اما باد، شخصیتی دوست‌داشتنی داشت و من واقعا از او خوشم آمد.

سینمای جهان

روزنه آبی

تلاقی عجیب هنر عامه‌پسند و سیاست

آن هورنادی

در ماه دسامبر ۱۹۷۰، الویس پریسلی به دیدار ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در کاخ سفید می‌رود و به او پیشنهاد می‌کند در جنگی که قرار است رئیس‌جمهور با تشکیلات تولید و توزیع موادمخدر در آمریکا در پیش بگیرد، به او کمک کند و به‌عنوان یک مأمور مخفی منصوب شود. عکس گرفته‌شده از این رویداد – دست‌دادن و نیش‌خند دو مرد که ظاهرا کمترین شباهتی با یکدیگر نداشتند– به تصویری در آرشیو ملی که بیشترین تقاضا برای تماشای آن وجود داشت، بدل شد.

لیزا جانسون، کارگردان «الویس و نیکسون»، هنگام کار روی فیلم‌نامه‌ای از جویی ساگال، هاناا ساگال و کری الوز با الهام از این‌عکس تلاقی‌ی عجیب هنر عامه‌پسند و سیاست است رویداد را در قالب درامی تاریخی به سبک‌وسباق سریال تلویزیونی «مردان دیوانه» تجسم کرده و به نغ‌نماشده‌ترین قطعات موسیقی R&B، رنگ‌مایه‌های پژمرده و جزئیات برگرفته از فرهنگ عامه متوسل شده است.

مایکل شانون نقش پریسلی را به‌عنوان موجودی واپس‌گرا و کمابیش وحشی که پس از غرق‌شدن در شهرت با دنیای پیرامون خود بااحتیاط برخورد می‌کند و فقط به نزدیک‌ترین افراد به خود اعتماد دارد، بازی می‌کند. او در اینجا با دوست‌دوران کودکی خود، جری شیلینگ (الکس پیفر) همراه است.

شانون صدای باریتون آشنای پریسلی را تازک کرده و آن را به کلامی نجواگونه در اکتاو بالاتر و البته غیرمحتمل برای این شخصیت رسانده و سلطان موسیقی پاپ برآمده از شهر ممفیس را واجد خصوصیات شگفت‌آور ملایمت و شکنندگی کرده است.

هنگامی که الویس در نهایت موفق به دیدار نیکسون می‌شود – تا اینجا۴۰ دقیقه از فیلم گذشته است– در ابتدا چنین به نظر می‌رسد که او قصد دارد به رئیس‌جمهور بتازد.

برخلاف شانون، کوین اسپیسی در نقش نیکسون است که در موضع تهاجمی ظاهر می‌شود. او شخصیت خود را بازیگوش و باذوق نشان می‌دهد و نطق‌های طولانی و تئدم‌زاجانه‌ای را که نیکسون برای آنها شهرت داشت، با زمان‌بندی بی‌نقص و بازمه‌ای به نمایش می‌گذارد. نیکسون در ابتدا تمام سعی‌اش را می‌کند تا ملاقات با پریسلی خودداری کند. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد.

با زمان‌بندی بی‌نقص و بازمه‌ای به نمایش می‌گذارد. نیکسون در ابتدا تمام سعی‌اش را می‌کند تا ملاقات با پریسلی خودداری کند. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد.

با زمان‌بندی بی‌نقص و بازمه‌ای به نمایش می‌گذارد. نیکسون در ابتدا تمام سعی‌اش را می‌کند تا ملاقات با پریسلی خودداری کند. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد. اما بعد متوجه می‌شود که این کار ممکن است در استراتژی جمهوری‌خواهان در جنوب‌کشور باشد.

کالین دشوارترین و پرتنش‌ترین صحنه‌ای که در فیلم بازی کردی، کدام بود؟

کالین: من واقعا خیلی نگران ایفای نقش باد کراف نبودم، اما خارطه دو روز از بازی در این نقش هست که هرگز از ذهنم پاک نمی‌شود. یک بار به من گفته شد «خود باد کراف قرار است بیاید سر صحنه و می‌خواهد با تو دیداری داشته باشد». من در جواب گفتم «اوِه! باشه» چه عالی! امیدوارم از دیدن من در نقش خودش خوشش بیاید؛ از اینکه او را ببینم کدلی‌نگران بودم اما باد، شخصیتی دوست‌داشتنی داشت و من واقعا از او خوشم آمد.

منبع: واشنگتن‌پست

این هفته روی پرده

بازگشت‌به‌خانه

ساسان کفر

غیر از فیلم مستند «اوا هسه» درباره زندگی یک هنرمند آلمانی قرن بیستم که اکران عمومی آن از روز چهارشنبه آغاز می‌شود، بقیه فیلم‌های معرفی‌شده در این ستون و همچنین فیلم *دلهره‌آور* «قربانی»، *درام جنایی* «مدت زندگی»، *کمدی* «کیانو»، *انیمیشن* «رچت و کلنک»، *کمدی رمانتیک* «خاموشی در خیابان سوم» و *درام* «ویوا» از روز جمعه ۲۹ آوریل (۱۰ اردیبهشت) روی پرده می‌روند.



خانواده‌فنگ

جیسون بیتمن، بازیگر، این درام خانوادگی را کارگردانی و خود نیز نقش اصلی را در آن ایفا کرده است. باکستر (جیسون بیتمن) و آنی (نیکول کیدمن) برادر و خواهری هستند که از روش‌های تربیتی غیرمتعارف آسیب دیده‌اند. حادثه‌ای سبب بازگشت آنها به خانه پدری می‌شود و ناپدیدشدن ناگهانی پدر و مادرشان (کریستوفر واکن و مریان پلانکت) که دو شعیده‌باز مشهور هستند، آنها را نگران می‌کند و به جست‌وجو وامی‌دارد، گرچه بعید نیست این نیز یکی از حقه‌های دو شعیده‌باز باشد.



چنان‌که از عنوان این فیلم کمدی به کارگردانی گری مارشال برمی‌آید، قرار است روز بزرگداشت مقام مادر در کانون توجه باشد. در این فیلم سه نسل از یک خانواده در کنار هم جمع می‌شوند تا روز مادر را جشن بگیرند و تماشاکر با خوشی و غم و محبت‌ها و رنجش‌های میان اعضای این خانواده آشنا می‌شود. جیسون سوودیکس، جنیفر انیستون، جولیا رابرتز و کیت هادسون از بازیگران این فیلم با زمان نمایش ۱۱۸دقیقه و درجه‌بندی سنی PG-13 هستند.



مردی که بی‌نهایت‌رامی‌شناخت **The Man Who Knew Infinity**
این فیلم داستان ناگفته‌ی یکی از بزرگ‌ترین مغزهای ریاضی اوایل قرن بیستم، سربینوآسا رامانوجان (با بازی دِ پاتل) را بازگو می‌کند که در محله‌های فقیرنشین شهر مدرس در هند به دانشگاه کمبریج رفت و با وجود نابرابری‌های اجتماعی تحت حمایت پروفیسور هاردی (جرمی آیروئن) توانست به یکی از پیشگامان نظریه‌های ریاضی بدل شود. مت برانن این درام زندگی‌نامه‌ای ۱۰۸دقیقه‌ای محصول انگلستان را کارگردانی کرده است و توبی جونز، استیون فرای، جرمی نورتهام و کوین مک‌نالی نیز در آن نقش دارند.



پاپا:همینگوی در کوبا **Papa: Hemingway in Cuba**
اولین فیلم آمریکایی که بعد از حدود نیم‌قرن در کوبا فیلم‌برداری شد، فیلمی است به کارگردانی باب یاری، تهیه‌کننده ایرانی‌تبار هالیوود که به مقطعی از زندگی ارنست همینگوی، نویسنده مشهور آمریکایی، می‌پردازد. در بارت (جووانی ریبینی)، مقاله‌نویس روزنامه میامی‌هرالد در زمان انقلاب کوبا، با ارنست همینگوی (آدریان اسپارکز) دوست و شاهد سقوط همینگوی در افسردگی و اعتیاد به الکل می‌شود. جیمز رامار، جولی ریچاردسن و ماریل همینگوی (نوه نویسنده) از دیگر بازیگران این فیلم ۱۰۹دقیقه‌ای هستند.



یک سیاره‌زیبا

این مستند محصول استودیو والت دیزنی، جنیفر لارنس، بازیگر «عطش مبارزه»، برنده جایزه اسکار «کتابچه امیدبخش» و همچنین «زمستان استخوان‌سوز»، «کلاهبرداری آمریکایی» و «جوی» را در مقام گوینده گفتار روی متن دارد. پرتراه‌ای از سیاره زمین که کمتر انسان زنده‌ای ممکن است تاکنون به چشم دیده باشد، از زاویه دید اسپکاه فضایی بین‌المللی دیده می‌شود و تأثیر حضور بشر بر این سیاره آبی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. واضح است که تونی مایرز، کارگردان این فیلم مستند، از همکاری سازمان ناسا نیز برخوردار بوده است.